

زنان و فرصت‌های سبز

دکتر نورالهدی پورعباس

کارآفرین و فعال حوزه

کسب‌وکارهای سبز و توانمندسازی زنان



وقتی حفاظت از محیط زیست به یک فرصت اقتصادی تبدیل می‌شود، اقتصاد چرخشی دیگر صرفاً یک مفهوم محیط زیستی نیست؛ یکی از مسیرهای مهم اقتصاد آینده است. در این میان، زنان کارآفرین می‌توانند نقشی فراتر از ایجاد کسب‌وکار داشته باشند: آن‌ها می‌توانند منابع را به ارزش، ضایعات را به محصول و مسائل محیط زیستی را به فرصت‌های اقتصادی تبدیل کنند. وقتی از اقتصاد چرخشی صحبت می‌کنیم، معمولاً ذهنمان به سمت کارخانه‌های هوشمند، فناوری‌های پیشرفته، بازیافت صنعتی و سرمایه‌گذاری‌های بزرگ می‌رود. اما واقعیت این است که اقتصاد چرخشی همیشه از یک پروژه بزرگ شروع نمی‌شود. گاهی از یک تصمیم ساده آغاز می‌شود: «چطور می‌توانم چیزی را که قرار است دور ریخته شود، دوباره به ارزش تبدیل کنم؟» اقتصاد چرخشی الزاماً از فناوری‌های پیچیده شروع نمی‌شود؛ از تغییر نگاه شروع می‌شود. در بسیاری از برنامه‌های توسعه، زنان هنوز اغلب به عنوان گروهی که باید مورد حمایت قرار گیرند دیده می‌شوند. اما این نگاه دیگر کافی نیست. زن کارآفرین می‌تواند هم‌زمان یک تولیدکننده، نوآور، ایجادکننده اشتغال، حل‌کننده مسئله و عضو مؤثر زنجیره ارزش باشد. بنابراین پرسش امروز نباید فقط این باشد که چگونه زنان بیشتری را وارد بازار کار و کارآفرینی کنیم. پرسش مهم‌تر این است: چگونه می‌توانیم شرایطی ایجاد کنیم که زنان در ساختن اقتصاد آینده نقش داشته باشند؟ این تفاوت کوچکی در بیان نیست؛ یک تغییر اساسی در سیاست‌گذاری است.

نکته دیگر این است که محدودیت می‌تواند آغاز نوآوری باشد. بسیاری از کسب‌وکارهای کوچک با سرمایه و منابع محدود فعالیت می‌کنند. همین محدودیت گاهی آن‌ها را وادار می‌کند هوشمندانه‌تر فکر کنند. وقتی منابع گران هستند، دور ریختن آن‌ها دیگر منطقی نیست. از همین جا یک فرصت شکل می‌گیرد: کاهش مصرف، استفاده مجدد، تعمیر، بازطراحی، بازیافت و تبدیل ضایعات به محصول جدید. در این نگاه، اقتصاد چرخشی فقط یک اقدام محیط زیستی نیست؛ می‌تواند به کاهش هزینه، افزایش بهره‌وری، ایجاد محصول جدید و خلق بازارهای تازه کمک کند. اما نباید اقتصاد چرخشی را رمانتیک کنیم، اینجاست که واقعیت را صریح بگوییم. اینکه یک کارآفرین زن با منابع محدود توانسته راه حل خلاقانه‌ای پیدا کند، به این معنا نیست که باید انتظار داشته باشیم زنان بدون سرمایه، فناوری، بازار و زیرساخت، به تنهایی بار تحول سبز را به دوش بکشند. اگر قرار است زنان در اقتصاد چرخشی نقش جدی داشته باشند، باید به آن‌ها دسترسی واقعی به سرمایه، فناوری، دانش، بازار و شبکه‌های اقتصادی داده شود. آموزش به تنهایی کافی نیست. تسهیلات به تنهایی کافی نیست. حتی نوآوری به تنهایی کافی نیست. نوآوری زمانی ارزش اقتصادی پیدای می‌کند که بتواند به بازار برسد. سؤال دیگر فقط این نیست که چگونه ضایعات را مدیریت کنیم. سؤال مهم‌تر این است: چه محصول یا خدمتی می‌توان از این ضایعات ساخت؟ اینجاست که محیط زیست با نوآوری و کارآفرینی به یکدیگر می‌رسند. کشور ما ایران از یک سو با چالش‌های جدی در زمینه آلودگی، مصرف منابع و ضایعات صنعتی مواجه است و از سوی دیگر، ظرفیت قابل توجهی در شرکت‌های فناور، دانش‌بنیان و تولیدکنندگان خلاق دارد. این تضاد می‌تواند یک فرصت باشد. اگر شرکت‌های کوچک سبز فقط به دنبال فروش محصول خود باشند، رشد آن‌ها محدود می‌شود. اما اگر بتوانند به بخشی از زنجیره ارزش صنایع بزرگ تبدیل شوند، داستان متفاوت خواهد بود. صنایع بزرگ نیز می‌توانند به جای نگاه صرفاً خریداری، بخشی از مسائل واقعی خود را به شرکت‌های نوآور بسپارند. یک پروژه کوچک می‌تواند آغاز یک همکاری بزرگ باشد.

نباید ادعا کنیم زنان ذاتاً محیط زیست دوست‌تر یا نوآورتر از مردان هستند. چنین نگاه ساده‌ای نه علمی است و نه مفید. اما زنان تجربه‌ها، شبکه‌ها و شیوه‌های متفاوتی از حل مسئله دارند و حضور بیشتر آن‌ها در فرایندهای اقتصادی می‌تواند تنوع نگاه و راه‌حل را افزایش دهد. به همین دلیل، هدف نباید صرفاً افزایش تعداد زنان صاحب کسب‌وکار باشد. هدف باید افزایش تعداد زنانی باشد که در تصمیم‌گیری اقتصادی، فناوری، سرمایه‌گذاری، تولید و سیاست‌گذاری نقش دارند.

اقتصاد چرخشی زمانی موفق خواهد شد که کسب‌وکارهای کوچک، صنایع بزرگ، دانشگاه‌ها، سرمایه‌گذاران و سیاست‌گذاران در کنار یکدیگر قرار گیرند. در این میان، زنان کارآفرین نباید در حاشیه این اکوسیستم باشند. آن‌ها می‌توانند در مرکز آن قرار بگیرند؛ به‌ویژه در نقطه‌ای که فناوری، محیط زیست، اقتصاد و توانمندسازی اجتماعی به هم می‌رسند.



در این مسیر سنگ اندازی هم برایتان بود؟

بله، متأسفانه خاطره تلخ من، تلاش برخی افراد، به‌ویژه زنان، برای کم‌ارزش جلوه دادن تلاش‌ها و موفقیت‌های یک زن کارآفرین و نسبت دادن آن‌ها به انگیزه‌های دیگر به جای شایستگی و توانایی‌های فردی است. بسیار مهم است که زنان کارآفرین از یکدیگر حمایت کنند و شبکه‌ای قوی از پشتیبانی ایجاد کنند. باید تلاش کنیم تا کلیشه‌های نادرست شکسته شوند و زنان کارآفرین، به عنوان افرادی توانمند و شایسته، مورد احترام و حمایت قرار گیرند. هنوز راه بسیاری برای رسیدن به محیط کارآفرینی عادلانه و حمایتی برای زنان باقی مانده است. امیدوارم با افزایش آگاهی و حمایت متقابل، شاهد تغییرات مثبتی در این زمینه باشیم و به عنوان یک زن کارآفرین، با تلاش و پشتکار خود، نه تنها به موفقیت شخصی دست یابیم، بلکه الهام بخش دیگر زنان نیز باشیم.

شمارد این ابداع‌چقدر زمینه اشتغال برای دیگر زنان را فراهم کرده‌اید؟

۵ هزار و ۳۰۰ نفر در کل ایران.

و چشم اندازی که برای رشد شهر خودتان پیش‌رو دارید؟

سامان‌دهی و توانمندسازی بانوان، بهبود فضای کسب‌وکار، توسعه و ارتقای کارآفرینی در این حوزه، پیگیری برای رفع موانع موجود، حمایت از بانوان در امور اقتصادی، هم‌سو کردن فعالیت آنان در راستای توسعه اقتصادی کشور و فراهم‌سازی زمینه‌های فعالیت بانوان در عرصه تولید و تجارت. نگاه من این است که بانوان کارآفرین مانند درخت‌اند؛ پای رفتن ندارند، فرار نمی‌کنند، می‌مانند، ریشه می‌دوانند، شکوفه می‌زنند و میوه می‌دهند.

اضطراب، افسردگی و خستگی مزمن از جمله مشکلاتی است که بسیاری از این مادران با آن دست و پنجه نرم می‌کنند. حمایت «شهر زنان» از مادران کودکان دارای اختلالات تکاملی، سرمایه‌گذاری روی آینده‌ای روشن‌تر برای همه کودکان است؛ چرا که این مادران، زنانی قوی و بااراده هستند. آن‌ها با عشق و فداکاری، تمام تلاش خود را برای کمک به رشد و پیشرفت فرزندانشان انجام می‌دهند. این مادران الهام‌بخش بسیاری از افراد هستند و نشان می‌دهند که عشق و امید، حتی در سخت‌ترین شرایط، می‌تواند پیروز شود. با حمایت از این مادران، ما به جامعه کمک می‌کنیم که در پذیرش آنان، همدلی و برابری شریک باشد.

ایده خلق چنین فضایی از کجا به ذهنتان رسید؟

ایجاد یک هویت و برند منحصر به فرد، جذاب و قوی مرتبط با زنان، از اهداف اصلی ماست. هرگاه کوه مشکلات در مقابلمان قد کشیده، هرگاه دره نیستی پیش پایمان گسترده شده و هرگاه دریای غم‌روی دلمان تلنبار گشته است، صدای کسی از پشت سر به گوشمان رسیده است که: «مرد باش و استقامت کن». غافل از اینکه در دنیای زنانه، مردانه زندگی کردن سرانجامی جز ضرر و زیان ندارد.

ما زنان باید بیاموزیم که برای زندگی بهتر، زن باشیم و زنانه زندگی کنیم. زن بودن معجزه است؛ معجزه‌ای از جنس عشق و مهربانی. به خودمان و روحمان احترام بگذاریم و زن بودنمان را دوست داشته باشیم.

در این مسیر چه مشکلاتی داشتید به عنوان یک بانوی کارآفرین؟

دو مشکل اساسی داشتیم: اول، پیش‌داوری و کلیشه‌های جنسیتی، دوم، شبکه‌های تخصصی محدود. اما همراهی مادرم، پسر من و خواهرم به من خیلی کمک کرد. آن‌ها با مشورت، همراهی و همفکری در این مسیر، به‌ویژه در پشت سر گذاشتن سختی‌ها، به من یاری رساندند.

